



ویژہ نامہ نکو داشت آیت اللہ دکتور سید محمد باقر حجتی

قرآن شناسی

و حدیث پر وہ پر جستہ

دانشوری پرهیزگار

بین‌المللی است که حضرت آیه الله دکتر سید محمد باقر حجتی از بنیانگذاران رشته علوم قرآن و حدیث و از ریشه‌های درخت تنومند دانشکده الهیات و معارف اسلامی این دانشگاه در زمره این نامداران فرهیخته قرار دارند و موجبات بالندگی دانشگاه مادر را در عرصه‌های گوناگون فراهم کرده‌اند.

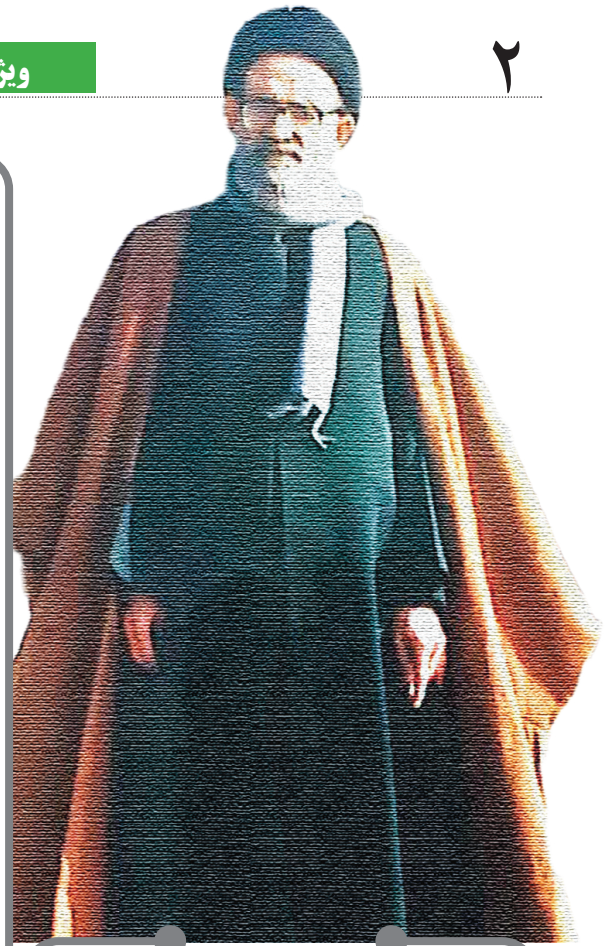


• دکتر سید محمد مقیمی*

دکتر سید محمد باقر حجتی دانشی مرد بزرگی است که عمر پر برکت خود را یکسره در خدمت به علم و پژوهش صرف کرده و در این مسیر موفق به تربیت جمع کثیری از شاگردان برجسته شده است که گروه پرشماری از آنان اکنون خود از اساتید برجسته دانشگاه تهران و سایر دانشگاه‌های کشور به شمار می‌روند؛ چنان‌که آثار مهم و اثرگذاری رقم‌زده‌اند که همچنان از جهات گوناگون علمی، پژوهشی و معرفتی جویندگان علم و معرفت را سیراب می‌کنند. به هر روی، اینجانب ضمن استقبال از برگزاری چنین آیین فاخری، به نوبه خود از استاد فرهیخته دکتر سید محمد باقر حجتی به پاس یک عمر تکاپوی علمی خالصانه و مجدانه و تربیت شاگردان فرهیخته، تشکر و قدردانی می‌کنم و برای ایشان طول عمر با عزت و توفیقات روزافزون طلب می‌کنم و آرزو دارم که دانشگاه تهران با داشتن این سرمایه‌های علمی و معنوی همچنان بر تارک آموزش عالی جمهوری اسلامی ایران بدرخشد.

*استاد مدیریت دولتی و رئیس دانشگاه تهران

مقام علم و عالم چنان رفیع است که در منابع دینی به گونه‌های متعدد از آن به عظمت یاد شده است. در این میان عالمان خودساخته دینی در جایگاه والاتری نشسته‌اند؛ چنان‌که در قرآن کریم یکی از مهمترین ملاک‌های فضیلت و برتری در کنار جهاد فی سبیل الله، علم در مسیر تقواست و پیامبر اکرم (ص) علمای راستین را وارثان انبیاء الهی (ع) خوانده‌اند. دانشگاه تهران مفتخر به داشتن سرمایه‌های انسانی گرانمایه‌ای از مفاخر علمی و فرهنگی در سطوح ملی و



کتابشناسی کم نظیر در عرصه مطالعات قرآنی



• دکتر سید رضا مودب*

استاد حجتی کتابشناسی کم نظیر استاد حجت الاسلام دکتر سید محمدباقر حجتی استادی توانمند و کتابشناسی کم نظیر هست که سالها به تدریس و تحقیق متون الهیاتی خصوصا علوم قرآن و حدیث همت گماشت. او نه تنها در دانشگاه تهران موسس و پیشواز مباحث تفسیر و علوم قرآن بود، در دانشگاه قم هم موسس رشته علوم قرآن و حدیث شد و در طول سالهای ۷۲ تا ۷۶ یک روز در هفته به قم می‌آمد و تدریس رشته قرآن و حدیث را انجام می‌داد و زمینه‌های تدریس برای دانشجویان دکتری علوم قرآن و حدیث خود را هم فراهم می‌آورد تا بدان جا که آنها امروز مدرسان با سابقه‌ای در دانشگاه قم و کشور هستند.

*راهبری مشفقانه پایان نامه‌های دانشجویان و طلاب

او در ایام حضور در دانشگاه قم، نخستین پایان نامه‌های ارشد را راهنمایی و راهبری نمود که امروز در کتابخانه دانشگاه موجود و از افتخارات دانشگاه قم هست. فارغ‌التحصیلان آن ایام دانشگاه قم که از استاد دکتر حجتی هم علم آموختند و هم اخلاق، در مراکز علمی و دینی، معلمینی موفق و موثر هستند زیرا از سفره پر برکت استاد دکتر حجتی بهره‌مند بودند. در آن ایام که ایشان برای تدریس به دانشگاه قم می‌آمد، استادان حوزه هم مطلع شدند و از ایشان درخواست کردند که روزهای حضور در قم بیشتر شود تا طلاب گرامی هم از مباحث علوم قرآنی ایشان بهره‌مند شود که چنین توفیقی حاصل نشد. ایشان علاقه خاصی به حوزه قم و علما و مراجع داشت به گونه‌ای که هر هفته که من در سالهای ۷۲ در کلاس درس ایشان در دانشکده الهیات تهران شرکت داشتم، در پایان کلاس، از اخبار حوزه پرس و جو می‌نمود و احوال علما را می‌پرسید و هر گاه قم می‌آمد به نظر می‌رسید که شادابی خاصی داشت و تمایل داشت از مراکز حوزه بازدید نماید. وجودشان مستدام باد.

* استاد علوم قرآن و حدیث و رئیس دانشکده الهیات دانشگاه قم

سخت‌کوشی و ادب دانش‌پژوهی

به همان جواب دهد». من آن دانشجو نبودم و از آن درس ۱۹ آوردم، اما همچنان آن استاد را می‌ستایم چون آن آزمون اگرچه از نگاه برخی دارای اشکال است اما از نگاهی دیگر بسیار آموزنده بود زیرا از آن روز آموختیم باید چندان سخت‌کوش باشی یا بشوی که به قول استاد با «نیم تا سوال» هم بتوانی موفق شوی.

تأثیر آن آزمون چنان مرا به تحصیل واداشت که شب فردای آزمون کتاب درسی «معالم الاصول» توانستم یک دور بخش‌های منتخب آن کتاب اصولی را برای یکی از دانشجویان ظاهرارزمنده غایب از کلاس، تا نزدیک اذان صبح تدریس کنم و هم خود و هم او سرفراز با نمره عالی تر و عالی از آن آزمون بیرون آییم، اما اینکه که آن سختگیری‌های منجر به سخت‌کوشی را با سهیل گیری و سهل‌انگاری تدریس و به تبع تحصیل این روزها مقایسه می‌کنیم، می‌بینیم به سمت و سویی می‌رویم و به بیانی دقیقتر می‌برندمان که به توفیقی درخور تعلیم دست نمی‌آییم؛ چرا بسا که دانشجو تعیین می‌کند چگونه و به چه مقدار واز کجا و تا کجای درس آزمون گرفته شود و اگر خلاف این عمل شود با ارزیابی‌های نه استانداردارد و با سنجه‌هایی چند پهلو و بعضا ناصواب با استاد وظیفه شناس کاری کنند که او را از تدریس پشیمان کنند و در این میان تجارت پرسود از آن استادی است که با ساز دانشجو سازگار می‌شود و نتیجه این گونه تدریس‌ها و تحصیل، می‌شود دانشجویان فارغ از تحصیل‌ها و چه بگویم بعضا در مقطع دکترا که از خواندن درست متون اصلی دروس خود چون قرآن و حدیث ناتوان است و باز چه بگویم بر کرسی تدریس نیز می‌نشینند. راستی مگر نه این است که امام صادق علیه السلام فرمودند: «لورایت شایا من شبان الشیعه لایتفقه فی الدین لضربته بالسوط سبعین ضربه» و امام متصف به رأفت فرمودند: لضربته بالسیف ضربه؟

تمام این کم‌گذاری‌ها با توصیف نسل کنونی با عناوینی چون نسل «زد» و مشخصاتی چون «اقتدار گریزی» توجیه می‌شود، چرا این گونه شده است؟ آیا جای کتاب «منیه المرید فی آداب المفید والمستفید» با ترجمه فارسی جناب استاد ما، تحت عنوان آداب تعلیم و تربیت، دست کم در قالب دو واحد درسی، خالی نیست؟ ای کاش این آرزو به دست برنامه‌ریزان درسی محقق شود. برای من که پیش از دانشجویی، کتاب آداب المتعلمین منسوب به خواجه نصیرالدین طوسی را خوانده بودم ترجمه جناب استاد از کتاب شهید ثانی، جلوه‌های دیگری از آداب شاگردی و استادی نمود، تا صاحب نظران تعلیم و تربیت چه گویند. دانشجوی امروز اگر تراز ابوعلی سینا است اگر نمی‌تواند کتاب مابعدالطبیعه ارسطو را چهل بار بخواند و خط به خط حفظ شود اما می‌تواند کتب درسی را دوبار بخواند و اگر در حد سکاکی است می‌تواند مفتاح العلوم بنویسد.

* دانشیار علوم قرآن و حدیث دانشگاه اصفهان



• دکتر رضا شکرانی*

سال تحصیلی ۳-۱۳۶۲ دانشگاه تهران، دانشکده الهیات و معارف اسلامی برای اولین ورودی‌های اولین کنکور پس از انقلاب فرهنگی، در اوج جنگ تحمیلی و سختی‌های ناشی از آن، اولین درس‌های کارشناسی با استنادی ارایه شده بود که به حق مسمای اسم استاد بودند. آنان بر اساس اهداف تا حدودی زیاد آرمانی انقلاب فرهنگی، دوره‌های کارشناسی را که به لحاظ سرفصل و منابع درسی و محتوا به حق فراتر از یک دوره کارشناسی و کارشناسی ارشد بود به منظور تربیت فارغ‌التحصیلانی تراز انقلاب فرهنگی تدوین کرده بودند.

*جدیت در ارزشیابی آموزشی دانشجویان

دانشجویان، جوانانی بودند که اغلب قریب به اتفاق رشته‌های قبولی آنان، اولین انتخاب آنان بود. عنوان یکی از دروس ۲ واحدی تمام کتابی بود بالغ بر ۵۰۰ صفحه که به حکم وقت و اقتضای درس، استاد محترم در طول ترم تنها بخش‌هایی از کتاب را با بیانی متین و شیرین تدریس می‌کردند. هفته آخر، تعدادی از دانشجویان شهرستانی غایب بودند حدود دویخش دیگر را تدریس فرمودند. روز امتحان، دانشجویان با برگه‌ای مشتمل بر سه سوال تشریحی مواجه شدند، یعنی هر سوال حدود ۳ نمره. یکی از دانشجویان اجازه خواست و نزد استاد رفت و گفت جناب استاد، اگر ممکن است چند سوال دیگر اضافه فرمایید چون یک سوال از بخشی از کتاب بود که تدریس نشده است و عده‌ای از دانشجویان نیز در آن جلسه حاضر نبودند. آن استاد -که می‌ستایم و دستش را بوسیده و می‌بوسم- ناراحت از جا بلند شد و با صدایی رسا فرمود: «ببین وضع استاد و دانشگاه به کجا رسیده که دانشجو برای استاد تعیین تکلیف می‌کند که استاد چند سوال دهد؟ استاد میتواند «نیم تا سوال» بدهد و دانشجو باید

حق صحبت



● محسن قاسم پور*

این نفس، جان دامنم برتافته ست
بوی پیراهان یوسف یافته ست
از برای حق صحبت، سال ها
باز گو حالی از آن خوش حال ها
سخن از یک شخصیت فرزانه، و عالم فرهیخته و برجسته
و از چهره های ماندگار در دوره معاصر در حوزه مطالعات دینی
به ویژه علوم قرآن و حدیث است. استاد دکتر سید محمد باقر
حجتی. از تبار عالمان دینی خطه سبز مازندران که پدر وجد
بزرگوارش از عالمان آن سرزمین و مورد احترام و مراجع مردم
آن دیار بوده است. او که دانش آموخته حوزه دانشگاه است، از
دانشوران نام آشنایی است که در میان استادان و دانش پژوهان
این حوزه به عنوان بنیاد گذار این رشته دانشگاهی پس از
انقلاب اسلامی شناخته می شود. بسیاری از دانشجویانی که
امروزه در کسوت استادی و معلمی این رشته در دانشگاه های
کشور به تعلیم دانشجویان مشغول هستند، از شاگردان این
استاد گرانمایه و فرزانه به شمار می آیند. آثار علمی این استاد
عزیز و قرآن پژوه سترگ به ویژه در حوزه مطالعات قرآنی و در
قلمرو تعلیم و تربیت اسلامی، از جمله میراث ارجمند مکتوب
و گرانمایی این عصر است که بر کسان بسیاری تاثیر گذار
بوده و دانشوران گرامی همواره از آنها حفاظ و بهره های
فراوانی برده اند.

استاد دکتر سید محمد باقر حجتی با این که رشته
دانشگاهی اش فلسفه بود، اما گویا عشق و دلدادگی به ساحت
مقدس قرآن برای او سرنوشته دیگر رقم زد و او را از خادمان
قرآن قرار داد. اکنون آن شجره طیبه ای که با همراهی
دیگر اساتید دلسوز و دلپاخته قرآن، در سرزمین پهناور ایران
اسلامی که مردمانش عاشق قرآن اند، غرس نموده، بالیده
و به بار نشسته و از ثمرات پر بار و برکت خیز آن، رشته علوم
قرآن و حدیث است که اکنون در بیشتر دانشگاه های کشور
و در مقاطع مختلف دایر است.

استاد دکتر حجتی از محضر اساتید برجسته ای نظیر،
مرحوم محدث ارموی، مرحوم شعرانی، استاد شهید
مطهری، میرزا باقر آشتیانی، سید ابوالحسن رفیعی قزوینی،
شیخ محمدعلی حکیم و استاد محمود شهبازی بهره مند شدند.
یکی از فرازهای مهم تاریخ زندگی استاد دکتر حجتی که
توجه به آن بسیار اهمیت دارد این است که ایشان بر خلاف
رشته تحصیلی دانشگاهی اش که فلسفه بود، به دلیل علاقه
وافر به علوم قرآنی، به تدریس در رشته زبان و ادبیات عرب
و ترجمه و قرائت و تفسیر قرآن پرداخت و به تدریج پایه گذار

رشته علوم قرآن و حدیث در دانشگاه تهران بعد از انقلاب
اسلامی شد. داستان عضویت هیات علمی استاد در گروه فقه
و مبانی حقوق اسلامی با توجه به اینکه ایشان دانش آموخته
فلسفه بودند، شنیدنی است.

وی در این زمینه چنین فرموده اند: «ریاست وقت
دانشکده الهیات در سال ۱۳۴۴ مرا برای عضویت هیات علمی
در حضور رئیس دو گروه فلسفه و فقه مخیر کرد که هر کدام
از این دو گروه را به انتخاب خود برگزینم. من گفتم می خواهم
قرآن درس بدهم. در آن زمان فقط یک درس قرائت و ترجمه
و یک درس تفسیر برای گروه فلسفه بود، این در حالی بود که من
در دوره کارشناسی ارشد یک درس آیات الاحکام می گفتم.
آن ها به من گفتند: حیف نیست که تنزل کنی به بچه ها رو
خوانی یا ترجمه یاد دهی؟! گفتم نه، حیف نیست».

به باور ایشان، قرآن و روخوانی و ترجمه حداقلی آن از
چنان جایگاهی برخوردار است که حتی کسانی که از طریق
کنکور سراسری به این رشته و دانشکده الهیات وارد می شوند
باید در امتحان شفاهی قرآن نیز موفق شوند. در دانشکده
الهیات این کمک و همیاری شهید مطهری بود که باعث شد
استاد دکتر حجتی بتوانند برخی دروس علوم قرآنی از جمله
تاریخ قرآن را در مجموعه دروس رشته رشته الهیات قرار
دهند. بدین سان می توان گفت علاقه مندی او به مباحث قرآن
و طرح ابعاد گونه گون آن در قالب یک رشته دانشگاهی، یقیناً
در صدق و صفای درونی استاد نسبت به محتوای بلند قرآن
و تعلیم موثر و انسان ساز آن ریشه دارد.

چند نکته در باب مقام شخصیت علمی ایشان شایسته
یادآوری است. نخست ذکر عشق و علاقه و ارادت به مباحث
قرآنی و کوشش برای سطح ارتقای دانش قرآنی جوانان این مرز
و بوم و میهن اسلامی. برای مثال با توجه به این که ایشان
در مقطع ورودی دکتری رتبه اول را به دست آورده بود
می توانست بر اساس قانون از بورس رتبه اولی استفاده کند
و به آمریکا برود. حتی پس از فارغ التحصیلی آن چنان که خود
ایشان می گوید از طریق پروفیسور مهدی که در موسسه فارابی
وابسته به دانشگاه هاروارد در آمریکا بود، پیشنهاد می شود که به
آن جا برود، او این تقاضا را هم رد می کند. جود و سخاوت علمی،
و شاکرد پروری استاد یکی دیگر از ویژگی های شخصیت
ایشان است. این موضوع مورد شهادت همه کسانی است که
از محضر علمی استاد دکتر حجتی بهره برده اند. از شاگردان
قدیم و جدید استاد، همه بر این نکته اتفاق نظر دارند که ایشان
با مهر و محبت پدرانه باعث می شد دانشجویان از کتابخانه
شخصی ایشان استفاده کنند، با استاد با سخاوت خود منابع علمی
را برای تحقیق در اختیار آنها قرار می داد. اخلاص و دوستی
اهل بیت علیهم السلام از دیگر خصوصیات این استاد مبرز
علوم قرآنی است.

و در پایان:
دیر زیاده! آن بزگوار خداوند
جان گرامی به جانش اندر پیوند
دائم بر جان او بلرزم
مادر آزادگان کم آرد فرزند
از خداوند بزرگ عمری پر برکت همراه با سلامتی
و عافیت برای ایشان آرزو داریم.
*استاد علوم قرآن و حدیث دانشگاه طباطبائی (۵)



اقدام درس آموز



● دکتر عبدالهادی فقهی زاده*

تماس تلفنی چندسال پیش آیت الله العظمی صافی گلپایگانی مرجع عالیقدر جهان
تشیع با دانشمند خدام آیت الله دکتر سید محمدباقر حجتی و تجلیل از فعالیت های گرانبار
قرآنی ایشان در هفت دهه اخیر، فضای رسانه ای کشور را عطر آگین کرد. این اقدام مبارک
هر چند در هیاهوی رسانه ای جدید در ایام اخیر انعکاس وسیعی پیدا نکرد، اما به دلایل متعدد
نمی توان از کنار آن به سادگی گذشت. این مرجع عالی مقام تقلید که خود در زمره عالمان
بزرگ دینی و صاحب آثار فاخر و گرانقدری در حوزه علوم اسلامی هستند و در زندگی پرافتخار
خود منشأ خدمات فراوانی به دین و ملت بوده اند، در تماس خود، ترویج و نشر معارف نورانی
قرآن را از جمله مهمترین اقداماتی بر شمرده اند که در جهت معرفی اسلام و معارف ناب مکتب
نورانی اهل بیت عصمت و طهارت (ع) لازم و ضروری است. ایشان، نوشتن و فعالیت قلمی
مبتنی بر دانش گسترده و نگرش صحیح در عرصه قرآن و احادیث امامان اهل بیت (ع) را از
جمله توفیقات بزرگی به شمار آوردند که تنها نصیب برخی از انسان های پاک نهاد و متعالی
می شود و باید با سعی و کوشش بیشتر در جهت ترویج این تعالیم حیات بخش، قدر دان این
نعمت بزرگ الهی بود. این مرجع تقلید با تجلیل از آثار مکتوب و فعالیت های فرهنگی چهره
ماندگار علوم قرآن و حدیث آیت الله دکتر حجتی، اقدامات ایشان را در معرفی قرآن کریم
و بر نمودن برجستگی های این کتاب آسمانی بسیار قابل تقدیر دانستند. اقدام شایسته و
درس آموز این مرجع عالی قدر، نکات نهفته مهمی داشته که یادآوری برخی از آنها ضروری
است. نکته اول اینکه دکتر سیدمحمدباقر حجتی استاد ممتاز دانشگاه تهران و بنیانگذار رشته



تخصصی علوم قرآن و حدیث و پاره ای دیگر از رشته های وابسته در سطوح عالی دانشگاهی
پس از پیروزی انقلاب اسلامی است که در تأسیس، تثبیت و گسترش آنها، جهد فراوان کرده
و یکی از پژوهشگران، مؤلفان و مدرسان برجسته این حوزه در عالی ترین مراتب دانشگاهی
و چهره ماندگار علوم قرآن و حدیث است.

او همچنین عضویت در فرهنگستان دمشق را در کارنامه دارد و مؤلف کتاب های فراوان و
ارزشمندی در تفسیر، علوم قرآن، علوم حدیث، تعلیم و تربیت، تاریخ اسلام و همچنین فهرست
نسخه های خطی است که شمار آنان به ده ها جلد می رسد. نکته دوم اینکه، این اقدام بجا و
ارزشمند در روزگاری که عده کثیری از مردم گمان می کنند که عرصه فعالیت های قرآنی به
تلاوت و حفظ و مسابقات تخصصی دارد، نشان داد که از نگاه تیزبین رهبران اصیل و فرزانه دینی
و پیشگامان خدمت خالصانه به آرمان های مقدس قرآن و عترت نباید فعالیت های قرآنی را به
چند هنر آوایی محدود کرد؛ بلکه تدبر در قرآن و عمل به تعالیم نورانی آن را باید در مرتبه ای
والا تر ملاحظه کرد و سامان بخشی به ساحت زندگی مومنان بر مبنای آموزه های قرآن کریم
را - که دکتر حجتی یکی از پیشقراولان سختکوش و مخلص این عرصه در دهه های اخیر در
ایران معاصر است - اولویت بخشید. تماس این مرجع عالیقدر با یک پژوهشگر ژرف اندیش و
مفسر برجسته قرآن کریم و تجلیل از خدمات ایشان در عرصه های گوناگون علمی عملی در یکی
از پرمخاطره ترین مراحل حیات اجتماعی عملاً یادآور این نکته است که عصاره فعالیت های
قرآنی حرکت در عمق معارف قرآن کریم است - هر چند حرکت در سطوح مرتبط با الفاظ آیات
الهی نیز اهمیت خود را دارد. نکته سوم، تجلیل از فعالیت های دامن گستر پژوهشی و ورود
به عرصه های مورد نیاز دینی و تربیتی است که از این اقدام نمادین می توان آموخت که دیگر
بار حرکت در عمق قرآن و نگرش مقاصدی به آموزه های دینی را یادآوری کرد. امید است
تماس هوشمندانه آیت الله صافی گلپایگانی منشأ تحولات جدیدی در فرهنگ سازی قرآنی
شود و حیات دوباره ای به فعالیت های گوناگون قرآنی ببخشد که در پرتو تعالیم نورانی و حیات
بخش آن، به این بزرگترین الهی نامه برکت خیز بیش از پیش ببایم و آن را در نگرش و
بینش و رفتار خود بگسترانیم.

*استاد علوم قرآن و حدیث دانشگاه تهران

دکتر حجتی

حجتی بر ترویج قرآن کریم



● محمد هادی امین ناجی *

بَابُ مَجَالَسَةِ الْعُلَمَاءِ وَ صُحْبَتِهِمْ: عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ الرَّقْفِيِّ، عَنْ شَرِيفِ بْنِ سَابِقٍ، عَنْ الْفَضْلِ بْنِ أَبِي قُرَّةَ، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ، قَالَ: «قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: قَالَتْ الْجَوَارِيُونَ لِمَيْسِرٍ: يَا رُوحَ اللَّهِ، مَنْ نُجَالِسُ؟ قَالَ: مَنْ تَذَكَّرْكُمْ اللَّهُ رُؤْيْتُهُ، وَ يَزِيدُ فِي عِلْمِكُمْ مَنْطِقَهُ، وَ يَرْعِيكُمْ فِي الْأَخِرَةِ عَمَلَهُ كَافِي (ط - دار الحديث)؛ ج ۱؛ ص ۹۵

سخن سنجیده عیسی (ع) از زبان نبی خاتم (ص) گویای حقیقت بزرگ شرایط همنشینان است که کسانی شایسته همنشینی اند که دیدارشان خدای را بیاد آورد، سخنشان فزاینده علمتان باشد و کردارشان ترغیب گر جهانی دیگر باشد.

گاهی نگاهی به زندگی عالمان و انتخاب های ایشان حقایق و نکات زیبایی برای آیندگان و محققان گویا و جاری می سازد. زبان و زمان تحصیل دکتر سید محمد باقر حجتی، زبان فلسفه و زمان مقابله با اندیشه های گوناگون دست ساز انسانی نظیر کمونیسم، سوسیالیزم بوده است و او دانش آموخته فلسفه و حکمت اسلامی با بهترین شیوه و مرتبه بوده است، اما هنگامی که در معرض انتخاب برای ارائه خدمت به جامعه علمی قرار می گیرد، قرآن و ترویج آن کتاب الهی را گزین می کنند و در پاسخ پرسشگران سخن از آموزش قرآن به دانشجویان و ضرورت آن به میان می آورند.

حال چرا و چگونه؟ چرا چنین دانشی را انتخاب و چگونه آن را در میان مخاطبان اشاعه و تقویت می کنند؟ به نظر می رسد ایشان ضرورت زمانه خود را در ترویج قرآن در میان نسل موثر و دانشی جامعه دیده اند، اما چگونگی آن هم حایز اهمیت است. جناب استاد بعد از تشخیص ضرورت، روش اقدام خود را از خوانش قرآن و صحت خوانش آن آغاز می کند تا علاوه بر انس با قرآن نسبت به تربیت آنها نیز با تکیه بر محتوای آن کاری بسنده شود (کاری که با ترجمه کتاب منیه المرید فی آداب المفید والمستفید با عنوان «آداب تعلیم و تعلم در اسلام» توسط استاد تکمیل شد).

* نقش تاسیسی و ماناگری

جناب استاد با پیروزی انقلاب اسلامی و با فراهم شدن فضای جغرافیای فرهنگی مقتضی، آن درس قرآن و دروس مرتبط با تفسیر و تاریخ قرآن را به گرایش منادگار در میان مجموعه گرایش های رشته الهیات و معارف اسلامی تبدیل می کند و در نهایت از گرایش، به رشته علوم قرآن و حدیث ارتقاء می یابد؛ اما به نظر می رسد ترسیم الگو و سرفصل دروس، همه ابعاد را در بر نمی گیرد، به همین مناسبت نسبت به تنظیم و تالیف متون و منابع درسی متناسب با ساختار فکری و فرهنگی دانشجویان دهه ۶۰ اقدام بعد از تنظیم جزوه به صورت کتاب و با نام «پژوهشی در تاریخ قرآن کریم» آن را منتشر می کنند. آثار دیگری که در این مقوله ضروری بود، اما در میان تالیفات سایر محققان مسلمان یا غیر مسلمان وجود داشت را نیز با قلمی بلیغ و رسا ترجمه و به فارسی زبانان ارائه نمودند. ترجمه کتابهایی نظیر قرائات قرآن کریم عبدالهادی الفضلی از این جمله است. ایشان در برهه های مختلف از زمان و در هنگام بررسی رشته های علوم انسانی در میان مراجع مختلف سیاستگذار؛ به عنوان حامی رشته الهیات و معارف اسلامی و مبین ضرورت استمرار این رشته در عین اشاعه آن در حوزه های علمی کشور حضور جدی داشته و ایفای نقش ماندگاری را به عهده گرفته اند. علاوه بر نقش مزبور؛ هنگام تاسیس مراکز تخصصی حدیثی کشور نقش بی بدیل ایشان در موافقت مراجع فرهنگی و اداری کشور غیر قابل چشم پوشی است.

از ویژگی های دیگر استاد حجتی؛ آشناساختن دانشجویان با منابع اصلی در هر درس و ارائه نقدهای خویش بر آن بوده است، نظیر بررسی مقاله مکاتبات تفسیر گلذیر.

* گستره ملی و بین المللی

جناب استاد دکتر سید محمد باقر حجتی، در سیر اقدامات علمی و پژوهشی خویش برای شناسایی و معرفی نسخ خطی موجود در جهان اسلام، تلاش گسترده ای را به عمل آورده اند که در این راستا تلاش ایشان در تنظیم فهرست نسخ خطی و معرفی آنها قابل ذکر می باشد. ایشان بعد از سفر تحقیقی خود به یمن در گزارشی شفاهی در کلاس درس، یمن را معدن نسخ خطی اسلام و شیعه معرفی کردند.

در میان فعالیتهای گسترده پژوهشی جناب استاد، تاسیس نشریات مختلف و سردبیری و عضویت در هیات تحریریه مجلات معتبر رشته علوم قرآن و حدیث قابل مشاهده و یادکرد است.

* شاگرد پروری

سید محمد باقر حجتی؛ بزرگی است که غالب اندیشمندان نامور سه دهه اخیر در حوزه قرآن و حدیث کشور افتخار بهره مندی از آموزش ها و پژوهش های ایشان را در کارنامه خود به بلندی و شکوه ذکر می کنند. کثیری از این ناموران یا در کلاس درس محضر ایشان را درک کرده اند یا در انجام تحقیقات خویش راهبری ایشان را به منت پذیرا شده اند یا بعد از نگارش اثر، داوری آن بزرگمرد را با ابتهاج پذیرفته اند.

* استاد و یافتن منابع انسانی فرهیخته

یکی از باقیات الصالحات اعمال استاد عزیز؛ تلاش برای ایجاد پیوند بین فرهیختگان حوزه و دانشگاه بوده است در این راستا؛ جناب آقای دکتر حجتی نسبت به بهره گیری دانشگاه های تربیت مدرس و تهران از فضایی کار آرموده ملبس و غیر ملبس به لباس روحانیت امعان نظر داشتند؛ حاصل چنین رویکردی بهره مندی دانشجویان از اساتید محترمی چون مرحومان میرزا علی اکبر غفاری، استاد محمد باقر بهبودی و حضرات اساتید مهدوی راد و... دام عزم می باشد. اگر آن شجاعت و شهامت ایشان برای معرفی و به کار گیری آن اساتید در فضای دانشگاه ها نبود، شاید میزان بهره مندی دانشجویان متفاوت از وضع کنونی می بود.

اکنون وظیفه نسل حاضر و فعالان در حوزه دانشی قرآن و حدیث، تکریم چنین شخصیت ها می باشد تا با الگوپذیری و متناسب سازی فعالیتهای گذشتگان با نیازهای امروزین پیوند بی مثال خویش را با قرآن و تقلین و عاملان و عالمان به آن مستحکم نمایند.

* عضو هیات علمی دانشگاه پیام نور / نایب رئیس انجمن علمی مطالعات نهج البلاغه ایران

پایه گذار رشته علوم قرآن و حدیث



● دکتر فتحیه فتاحی زاده *

استاد سید محمد باقر حجتی از اساتید برجسته و چهره های شاخصی است که جامعه علمی قرآنی مرهون تلاش های این شخصیت نامی است. از ویژگی های منحصر به فرد ایشان، پایه گذاری رشته علوم قرآن و حدیث است.

سال ۶۹ ه ش که در مقطع کارشناسی ارشد علوم قرآن و حدیث دانشگاه تهران پذیرفته شدم، از نزدیک با استاد آشنا شدم. بارها در خلال کلاس درسشان، حکایت پایه ریزی و تاسیس رشته علوم قرآن را یاد آور می شدند.

* تشویق دانشجویان به پیشرفت در عرصه های علمی و معنوی

خاطرم هست اولین باری که وارد اتاق استاد شدم و درخواست خود را جهت قبول راهنمایی پایان نامه ام را مطرح کردم، با روی گشاده پذیرفتند. البته چون از خطه استان کرمان هستم استاد به مزاح (شاید هم به جد) گفتند: من مازندرانی هستم میادا اشتباه آمده باشی و استاد علی حجتی کرمانی را قصد دارید استاد راهنما باشند؟! به دلیل دغدغه هایی که استاد نسبت به مباحث علوم قرآنی داشتند، موضوع توقیفی بودن آیات و سور قرآن کریم را برای پایان نامه ام پیشنهاد کردند. البته به دلایلی این موضوع را انتخاب نکردم. به هر حال آنچه اهمیت داشت ارتباط بیشتر با استاد بود. از نزدیک شاهد اشتیاق زاید الوصف ایشان نسبت به نشر معارف قرآنی و در همین راستا تشویق دانشجویان در آموزش و پژوهش بودم. استاد حجتی پدر علمی و معنوی ما بودند، لذا ارتباط ما با استاد به مسائل درسی و آموزشی خلاصه نمی شد. صمیمیت و لطف پدران استاد، زمینه ارتباط نزدیکتر دانشجویان را فراهم می ساخت. خستگی ناپذیری و تلاش های استاد در موضوع آموزش، کم نظیر بود. ایشان با دانشگاه های مراکز علمی همکاری تنگاتنگی داشتند.

* پشتکاری ستودنی در مسیر تعلیم و تربیت دانشجویان

سال ۷۵ که در مقطع دکتری مرکز تربیت مدرس دانشگاه قم پذیرفته شدم، بار دیگر توفیق یافتم محضر استاد را در کلاس های درس تفسیر و علوم قرآنی درک کنم. استاد از تهران به قم می آمدند و ما را از فیض معنوی و علمی خویش سیراب می کردند.

سال ها دانشجویان تحصیلات تکمیلی دانشگاه الزهراء (س)، از کلاس های درس تفسیر استاد بهره مند می شدند. تازمانی که شرایط جسمی استاد اجازه می داد و امکان تدریس برایشان فراهم بود، دانشجویان علوم قرآن و حدیث دانشگاه الزهراء (س) از محضرشان خوشه ها برچیدند. سخت کوشی - اخلاص - صداقت و دلسوزی عصاره وجود پربرت استاد است که برای ما فرزندان علمی استاد درس آموز بوده است.

خداندرا بر این نعمت بزرگ سپاس می گویم و برای استاد فرزانه عاقبت و عاقبت به خیری مسالت می نمایم.

* استاد علوم قرآن و حدیث دانشگاه الزهراء (س)

پاسدار قلم



● حجت الاسلام و المسلمین کارآموزیان *

آیت الله دکتر سید محمد باقر حجتی، از سلسله سادات با نام و نشان و به خوبی شناخته شده است و به دور از هر بدی و آراسته به هر خوبی می باشد و به جایگاه حساس و کم مانند خود توجه کامل دارد و سنگینی مسئولیت خویش را به درستی می شناسد و از این وابستگی با سربلندی به خود می بالد و از این بابت بر دیگران فخر می فروشد. وی در طول عمر پربرت خود علم این نیکان عالم و امامان بلند نظر را بر دوش ضعیف و نحیف خود حمل می کند و با قلم و قدم در راه اهداف و نشر آثار انسان ساز آن بزرگواران، شجاعانه و مردانه و قهرمانانه قلم فرسایی می نماید و گام برمی دارد و لحظه ای درنگ و کوتاهی نمی نماید.

قلم را مقدس می داند و وقت گرانسنگ خود را به طور کامل وقف قلم زدن در علون قرآن و حدیث نموده و می نماید.

گرسنه ای سیر نشدنی و تشنه ای سیراب نشدنی است و در یادگیری و یاد دادن دانش به دیگران اشتهایش پایان ناپذیر و عطشش فروکش نکردنی است و از نوشتن و یادداشت برداشتن خسته نمی شود و احساس کسالت نمی کند، بلکه به عکس لذت روحی و معنوی می برد.

به عنوان عاریتی دل نبسته است و در برخوردش با دوستان و برادران دینی بسیار صمیمی و دوستانه است و در یک کلام انسانی و اسلامی رفتار می کند.

دیدنی عمیق و نظری دوراندیش و نگاهی از هر نظر آینده نگر دارد و نوشته هایش سندی زنده و محکم بر این ادعا می باشد.

بر خوردی با جاذبه و به دور از دافعه دارد و گفتارش شیرین و دلنشین و همراه با مزاح است و با این روش و منش، غبار غم و گرد افسردگی را از چهره و دل هموعان می شویید و می زاید و به جای آن نشای شادی و بوته شادمانی می کارد و این خصلت خوین و نشانه شاخص مومنان در رفتار و گفتار وی به مانند ماه در وسط آسمان و به روشنی خورشید در میانه روز نمایان و از هر نظر بر جسته می باشد.

به خاطر دارم در سفر حج به محل کارمان آمد و صحبت از آوردن چای شد و او با نشانندن گل لیخند بر لب و با آرامشی به آرامش اقیانوس آرام گفت: امروز به اندازه کافی آب بندی شده ایم و چای خورده ایم و میلی به آن نداریم.

آری! مزاح های وی با مزه و در چهارچوبه شرع بود و کسی را نمی رنجاند و روحی را آزرده نمی کرد و فردی تحقیر نمی شد و عربان از دروغ و غیبت و هر پیدا و نهان ناخوستانه ای و نادانسته ای است.

* عضو سابق بعثه مقام معظم رهبری

نیک اندیشی و بردباری در جایگاه مدیر گروه علوم قرآن و حدیث



• دکتر ابراهیم اقبال*

استاد راهنمای رساله رسید. طبیعی بود که همه درخواست راهنمایی دکتر حجتی را داشته باشند؛ امری ناشدنی بود؛ اما راهنمایی بیشتر دانشجویان و از جمله من، به استاد سپرده شد. راهنمایی کلی و جزئی استاد در تدوین رساله بس موثر بود و... دفاع استاد در جلسه دفاعیه رساله دکتری، فراموش نشدنی است؛ زمانی که برخی از هیأت هشت نفره، نقدهایی مطرح کردند، با صدایی بلند و دفاعی قاطع، آنان را متقاعد کرد و نمره بالایی برای من گرفت.

دانشجویان دکتری آن دوره و دوره های قبل و بعد و حتی دانشجویان دکتری دانشگاه تربیت مدرس و دانشگاه واحد علوم و تحقیقات دانشگاه آزاد در آن مقطع که همه شاگردان دکتر حجتی بودند؛ اکثر قریب به اتفاق، به عضویت هیأت علمی دانشگاه ها در آمده اند و غالباً به تدریس و تحقیق اشتغال دارند و به نوعی، همه اعضای هیأت علمی رشته علوم قرآن و حدیث سراسر کشور، شاگردان بی واسطه و با واسطه حضرت استاد هستند.

* مرجعیت علمی

کتاب ها و مقاله ها و آثار جناب استاد در رشته علوم قرآن، همه ضروری، لازم، اساسی و با اهمیت هستند. به طور کلی همه عمر پربرکت ایشان در راه تدریس و تحقیق در قرآن و رشته علوم قرآن سپری گشته است. بر این اساس می خواهم مطلبی به زبان بیابورم (گرچه ممکن است به ذهن و زبان دیگران هم رسیده باشد ولی ندیده و نشنیده ام): حضرت استاد دکتر حجتی به حق پدر علوم قرآن و حدیث در ایران است و ایشان به جرأت یکی از مصادیق «کلمة طيبة کسجرحه طيبة أصلها ثابت و فرعها فی السماء» هستند و باید این پدر و این اصل را ارج نهاد و بزرگ داشت و این امری است که واقعا لازم است ترویج و اشاعه گردد.

هر چند سال ها است که از زیارت روی استاد بی نصیب هستیم ولی از عمق جان خود و هم ندا با حافظ چنین دعا می کنیم:

«تنت به ناز طیبیان نیازمند مباد

وجود نازکت آزرده گزند مباد»

* دانشیار علوم قرآن و حدیث دانشگاه تهران

دانشجو و ما دو نفر دیگر. جذبه استاد وصف ناشدنی بود. کلاس ها با «بسم الله الرحمن الرحيم» شروع می شد؛ چنان بسم الهی که از جان استاد بیرون می آمد؛ چنان ذکر را کمتر از فرد دیگری سراغ دارم؛ از خودم که سر زده است. درس نمودی «متن محور» داشت ولی جزوه بهانه ای بیش نبود؛ بیشتر توضیح مفید استاد و مطالب سودمند مرتبط و گاهی غیر مرتبط و حتی گزارش هایی از سفرهای خارجی؛ هر چند همه مفید و لازم بود. جامعیت استاد در احاطه به متون عربی و منابع و تفسیر و علوم قرآن و حدیث و حتی فقه و اصول و فلسفه و منطق و... در همان جلسات اول روشن شد. گاهی به دانشجویان خود، مجال خواندن متن و توضیح می داد و گاهی بخشی از جلسات درس با سمینارهای دانشجویان همراه می شد و ایشان استادانه و پدرا نه مشارکت داشت. گاهی دانشجویان با سوالاتی غیر مرتبط، استاد عزیز را به سخنان و مطالب غیر متنی می کشاندند... (من جزوه درسی استاد در آن دو درس را که مقاله تفسیر امین خولی در دائرة المعارف الإسلامیة بود و جداگانه در قالب کتاب هم چاپ و نشر یافته بود، در همان زمان ترجمه کامل کردم و در خصوص چاپ آن با استاد به مشورت پرداختم ولی ایشان چندان نظر موافقی نداشتند و قائل به این شدند که «متون درسی به حالت اصلی خودش باشد بهتر است». به هر حال اخیراً ترجمه آن مقاله و کتاب را سال ها پس از بازنگستگی استاد و خارج شدن آن از متن درسی به چاپ رسانده ام).

* شاگرد پروری

خاطر اتم از استاد بس بسیار است. در یکی از کلاس ها که به صورت تلویحی، تشویق احترام به بزرگان را یادآور می شدند با ته لهجه شیرین بابلی، خاطره ای از والد و والده خودشان را به زبان آوردند که گویا مرحوم مادرشان هر روز صبح به زیارت امامزاده ای که در نزدیکی منزلشان در شهر بابل بوده می رفتند و مرحوم پدر به ایشان توصیه تکریم امامزاده حی و زنده (خودشان) را داشتند.

تا این که دوره آموزشی ام سپری شد و نوبت به انتخاب موضوع و

سابقه آشنایی ام با جناب استاد دکتر سید محمد باقر حجتی به بیش از ۳۰ سال پیش بر می گردد؛ زمانی که استاد، مدیر گروه علوم قرآن و حدیث دانشکده الهیات (و معارف اسلامی دانشگاه تهران) و من مسئول آموزش بودم و برای امور آموزشی گروه به وی مراجعه می کردم و استاد نهایت همکاری را به عمل می آورد. این ارتباط حدود ۱۰ سال ادامه داشت. در بخشی از این دوره که دانشجوی مقطع کارشناسی ارشد گروه نیز بودم، بس آرزو می کردم که درسی را با ایشان بگذرانم ولی بخت یار نگشت و بیشتر دروس در آن مقطع، با صلاحید استاد، به اساتید بیرون از گروه سپرده شد. ایشان در این دوره و بعد از آن (از حدود ۱۳۶۸ تا ۱۳۸۵) به توالی یا تناوب مدیر گروه بودند. من در اواخر دوره، به عضویت هیأت علمی درآمدم و در جلسات شورای عمومی گروه که بیش از ۱۵ عضو داشت، شرکت می کردم. اداره جلسات گروه هم توسط استاد انجام می شد و ایشان ویژگی و مهارت خاصی در این زمینه داشت و غالباً جلسات با مدارا و صمیمیت می گذشت.

* جامع نگر در تدریس و تسلط بر متون عربی

امارتباطم با استاد از اواخر دهه ۷۰، وارد مرحله جدیدی شد؛ در مقطع دکتری پذیرفته شدم و طبق روال، برای دانشجویان آن مقطع، دو درس نقد مکاتب تفسیری با استاد ارائه می شد. کلاس در دفتر استاد، تشکیل می شد. هشت دانشجوی دکتری، چهار طلبه با لباس روحانیت و دو خانم

بنیان گذاری انجمن ها و نشریات علمی تخصصی

معارف قرآنی از سوی سازمان اوقاف در شهرهای مختلف و نیز پایه گذاری رشته های مربوط به قرآن و مطالعات تفسیری در حوزه های علمیه است که در جای خود اهمیت زیادی دارند، باید دانست. استاد حجتی در تأسیس راه اندازی بیشتر این دانشکده ها و مراکز قرآنی مشارکت مستقیم داشته و علیرغم ضعف جسمی، تدوین برنامه درسی و تدریس برخی دروس اصلی را به عهده داشتند.

* هم افزایی در عرصه های پژوهشی تخصصی علوم قرآن و حدیث

در دهه های ۸۰ و ۹۰ سده گذشته، رشته علوم قرآنی در ایران همچنان در حال افزایش بوده و عشق و علاقه عمومی به قرآن کریم از سویی منجر به افزایش تعداد استادان و اعضای هیأت علمی و از سوی دیگر باعث افزایش دانشجویان و پایان نامه های این رشته شده است. در واقع پایان نامه های قرآنی نگاشته شده در دهه ۴۰ سده حاضر (۱۳۴۰-۱۳۵۰) حدود ۱۲ مورد بوده در حالی که در طی ۴ دهه پس از آن، این تعداد به بیش از ۵۰۰۰ مورد رسیده است. بر اساس گزارش های موجود از مراکز دانشگاهی، امروز در بیش از ۲۳۰ دانشکده و مرکز قرآنی در کشور این رشته تدریس می گردد و دانشجویان در مقاطع کارشناسی ارشد و دکتری به نگارش پایان نامه در موضوعات متنوع قرآنی اقدام می نمایند.

استاد حجتی در بیش از شش دهه تدریس و آموزش دروس مختلف قرآنی، موفق به تربیت صدها شاگرد و دانشجو شد که هر یک منشأ آثار قابل ملاحظه ای در حوزه مطالعات قرآنی هستند و علاوه بر تألیف کتاب ها و مقالات مختلف، راهنمایی پایان نامه های کارشناسی ارشد و دکتری را نیز به عهده داشته اند. این همه را نیز باید در شمار برکات وجودی استاد حجتی دانست. نگارنده بر آن است که افزایش شمارگان کتاب ها و منشورات و مقالات قرآنی در سطح ملی و نیز برپایی نمایشگاه ها، جشنواره ها، همایش ها و مراسم بین المللی قرآنی همه و همه به نوعی با حرکت تحول آفرین استاد حجتی در دانشکده ارتباط دارد و باید این همه را متاثر از نیت نورانی آن استاد والا مقام دانست و در آخر باید گفت:

فیض روح القدس از باز مدد فرماید

دیگران هم بکنند آنچه مسیحا می کرد

* دانشیار پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

* تحول آفرینی در دانشکده های الهیات

نگاهی گذرا به پیشینه دانشکده الهیات و سر فصل های دروس آن نشان می دهد، پیش از پیروزی انقلاب اسلامی (۱۳۵۷) اساساً رشته علوم قرآنی و دروس مربوط بدان در برنامه درسی دانشکده الهیات وجود نداشت. در زمان تأسیس دانشگاه تهران یعنی سال ۱۳۱۳ شمسی در محل مدرسه عالی سپهسالار (شهید مطهری فعلی)، دانشکده علوم معقول و منقول با سه رشته ادبیات عرب، علوم معقول و منقول افتتاح شد. این دانشکده پس از فراز و فرودهایی بالاخره در سال ۱۳۴۴ به دانشکده الهیات و معارف اسلامی تغییر نام داد. در این دانشکده رشته ای به نام علوم قرآن و حدیث وجود نداشت و برخی از دانش آموزان این دانشکده مثل دکتر سید محمد باقر حجتی صرفاً به دلیل علائق شخصی به آموزش و فعالیت های پژوهشی قرآنی اهتمام داشتند. علاوه بر دانشگاه تهران، در دانشگاه فردوسی مشهد نیز در سال ۱۳۳۷، دانشکده علوم معقول و منقول تأسیس شد که در سال ۱۳۴۹ نام این دانشکده، به الهیات و معارف اسلامی تغییر یافت و در گروه «قرآن و حدیث و متون عربی» فعالیت آموزشی وجود داشت. در واقع سال ها بعد و سرانجام با تلاش های مدیرانه و عالمانه استاد حجتی، پس از انقلاب اسلامی و بازگشایی دانشگاه ها در سال ۱۳۶۲، دروس مربوط به قرآن و سرفصل های درسی «رشته الهیات و معارف اسلامی» قرار گرفت.

آرمان و راهبرد قرآنی دکتر حجتی البته فراتر از این سطح بود و فعالیت های اجرایی و ارتباط های مکرر جناب استاد حجتی با مسئولان و مدیران سطح بالای آموزش عالی در بهمن ماه ۱۳۶۵، به بار نشست و رشته دانشگاهی علوم قرآنی و حدیث به تصویب رسید. در واقع رشته دانشگاهی الهیات با پنج گرایش: فقه و مبانی حقوق اسلامی، فلسفه و کلام اسلامی، تاریخ و تمدن ملل اسلامی و ادیان و عرفان تطبیقی و علوم قرآنی و حدیث مجوز فعالیت دانشگاهی پیدا کرد. این تحول در نظام دانشگاهی که مرسوم تلاش های شبانه روزی استاد حجتی بود؛ در همین نقطه خاتمه نیافت و به تأسیس رشته علوم قرآن و حدیث در دانشگاه های مختلف ایران انجامید. رونق گسترش این رشته از آن زمان تا به امروز همچنان در حال افزایش است و علاوه بر دانشگاه های دولتی، دانشگاه آزاد اسلامی نیز اقدام به تأسیس رشته علوم قرآن و حدیث و پذیرش دانشجو در آن نمود. توسعه دیگری که در این رابطه صورت گرفته، مربوط به تأسیس دانشکده های علوم و



• دکتر فروغ پارسا*

سید محمد باقر حجتی (زاده ۱۳۱۱) بی تردید از برجسته ترین و تأثیر گذارترین دانشمندان قرآن پژوه ایرانی در سده ۱۴ هجری است. استاد حجتی در طی ۸ دهه حیات علمی و فرهنگی، با نگارش ده ها کتاب و مقاله و پرورش صدها دانشجو و بنیاد چندین انجمن علمی و نشریات پژوهشی موفق شد حرکت پیشرو و گسترده ای را در حوزه قرآن پژوهی ایران پایه گذاری نماید که برکات آن تا همیشه تاریخ پابرجاست. در واقع استاد حجتی هم از آن رو که رشته علوم قرآن و حدیث را به مثابه یک رشته دانشگاهی در آموزش عالی ایران به ثبت رساند؛ پدر رشته علوم قرآنی است و هم از آن رو که حرکت وی در سطح ملی و مراکز آموزشی حوزوی و مدارس دینی نیز کاملاً تأثیر داشته است. استاد سید محمد باقر حجتی، بیش از آن، مشوق و مؤسس چندین انجمن و جمعیت قرآنی کشور در طی دهه های گذشته بوده اند که به نوبه خود فعالیت های ارزنده ای را در سطح ملی و بین المللی رقم زده اند. در واقع جایگاه بلند علمی استاد حجتی و احاطه کم نظیر ایشان به مسایل و موضوعات قرآنی، سبب می شد که استاد در هسته مرکزی و مدیریت هر گونه جمعیت و حلقه قرآنی قرار بگیرند.

راه اندازی و بنیاد نشریات و مجلات دانشگاهی قرآنی در شمار دیگر آثار وجودی استاد حجتی است که در این امر نیز باید استاد را طلا به دار و پیشگام دانست. در واقع، پیش از اقدام استاد حجتی در ایران، نشریات دانشگاهی قرآنی وجود نداشته است و تنها با ایده استاد حجتی و همکاری شاگردان ایشان این امر محقق گردید و بحمدالله امروز شاهد توسعه نشریات قرآنی و گسترش کمی و کیفی آن ها در دانشگاه های مختلف هستیم.

استادی فرزانه، دلسوز و نخبه پرور



• دکتر عاطفه زرسازان*

سال ۱۳۶۸ برای اولین بار در دانشکده الهیات دانشگاه تهران، نام استادی فرزانه را شنیدم که به عنوان مدیر گروه علوم قرآن و حدیث دانشگاه و اولین کسی که این رشته را در ایران تأسیس کرده بود، شهرت داشت. شنیده هایم زمانی عینیت یافت و مرا اراهی دفتر استاد جناب آقای دکتر حجتی کرد که در ترم آخر کارشناسی درس چهار واحدی ارائه نشده بود و نیاز به معرفی استاد داشتم، در آن دوران ایشان تنها، مدرس دروس تحصیلات تکمیلی بودند و وقتی مشکل مرا فهمیدند برای رفع آن که از خصیصه های بارز ایشان است، استادی آن درس را پذیرفتند و افتخار شاگردی ایشان از آن زمان شروع شد. دوران تحصیلات تکمیلی نیز در خدمت ایشان بوده و تا کنون ادامه دارد و خداوند را به پاس این توفیق شاکرم. آنچه در ادامه می آید گوشه ای است از آنچه در این سالیان از منش ایشان دیده ام.

*عظوفت و دلسوزی

از نیکوترین و اساسی ترین اصول انبیاء جهت تغییر جامعه، محبت است که بیشترین تناسب را با فطرت آدمی و سرشت انسانی دارد. نیروی محبت در جذب افراد، نیرویی برانگیزاننده و تحول آفرین است و اگر درست و به اعتدال به کار گرفته شود تأثیری شگفت در نزهت آدمی و تحقق تربیت کمالی دارد. با توجه به میدان گسترده تأثیر محبت در تربیت و جذب افراد و نقشی که محبت در مشاکلت و مشابهاست دارد، اولیای خداوند آن را بهترین بستر تربیت دانسته و آن را محور تربیت قرار می دادند. چنانکه از رسول خدا (ص) درباره سنت آن حضرت پرسیده شده، فرمودند: «الحب اساسی» محبت بنیاد و اساس من است!

خواججه طوسی محبت و مهرورزی را از ویژگی های ذاتی انسان می داند و می گوید: «واژه انسان مشتق از نسیان نیست، بلکه از انس گرفته شده و چون خصیصه ذاتی انسان و کمال او به حساب می آید و کمال هر چیزی به این است

استاد اصرار می کردیم، نماز را به جماعت و به اقتدای ایشان بخوانیم ولی هیچوقت نپذیرفتند و دیگران را مقدم می کردند، برای نکوداشت های متعددی که برایشان گرفته می شد با کراهت و اصرار می پذیرفتند، طوری که زمانی مجبور می شدیم به اهل بیت ایشان و دوستان نزدیک متوسل شویم، خوب به یاد دارم وقتی از محافل قرآنی گله مند شده بودم و نزد ایشان لب به شکایت کشودم که چرا باید این گونه باشد؟ در پاسخ به میزبان اشاره کردند و فرمودند: قدرت بد چیزی است و خیلی فریبنده است از آن بر حذر باشید. تمام دعاها بر سر همین است.

*اظهار ارادت به پیامبر (ص) و اهل بیت (ع)

دانشی که پیامبر (ص) و ائمه اطهار (ع) وظیفه تعلیم آن را به عهده دارند، در یک جمله شناخت قانون زندگی بر اساس شناخت دقیق انسان است که قرآن کریم از این دانش تعبیر به کتاب و حکمت می کند و در چند مورد آن را فلسفه بعثت معرفی می نماید (رک: بقره ۱۵۱، جمعه ۲). در واقع آنها به انسان ها آموزش می دهند، که یاد بگیرند تا بهتر و سالمتر زندگی کنند و به رضایت برسند؛ رضایتی که نام دیگر آن سعادت است. پیامبر اکرم (ص) وظیفه خود می دانست که در رفع ابهام یا توضیح و تفصیل آنچه قرآن به اجمال سخن گفته است، با بیانی روشن و رسا آیات را بیان کند و خواست های مردم را برآورد. خداوند در قرآن به این مطلب اشاره کرده و چنین می گوید: «وَ أَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الْكِتَابَ الَّذِي لَكَ بِهِ حَقٌّ أَنْ يَسْمَعَ الرُّسُلَ» (نحل ۳۴) این خطب را بعد از پیامبر (ص)، ائمه اطهار (ع) و به دنبال ایشان علما و رادمردانی عهده دارند که میراث بانان معارف الهی بوده و با قلم خود آن را حفظ کرده و به آیندگان انتقال دادند و ترویج فرهنگ اهل بیت (ع) از دغدغه های آنان است. جناب استاد که خود از فرزندان آن بزرگواران می باشد هرگاه قلم به دست گرفته یا سخن رانده اند، مودتی شورانگیز و خالصانه در بنان و بیان او تبلور یافته است و آثار و سخنان ایشان گواه بر این مدعاست.

*نخبه پروری

وظیفه پیامبر اکرم (ص) و به دنبال آن ائمه اطهار (ع) افزون بر تبیین آیات الهی، پرورش افراد مستعد بوده است چنانکه از زمان امام باقر (ع) به بعد شمار فراوانی از شیعیان چنان پرورش یافتند که هر یک استوانه ای در فقه و کلام

که خاصیت خود را ظاهر سازد، بنابراین آدمی باید محبت بپذیرد و مهر بسوزد» از این رو عقل و دین، آدمی را به مهرورزی فرا می خواند چرا که محبت و مهرورزی انبیاء با مخاطبان، تأثیر شگرفی در بازدهی و موفقیت تبلیغ دینی می گذارد به تعبیر دیگر ابراز محبت، طلب محبت می کند و پیامد این محبت حاصل شده، تبعیت و دلدادگی است. چنانکه خداوند برای تربیت نبی گرامی، از این روش استفاده نمود. ابواسحاق نحوی گوید، بر امام صادق (ع) وارد شد و شنیدم که آن حضرت فرمود: «إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ أَدَبَ نَبِيَّهِ عَلَى مَجْبِهِ، فَقَالَ: وَ أَنْكَ لَمَلَى خُلُقَ عَظَمٍ» این سیره، روش تمامی انبیاء و معلمان الهی می باشد.

یادم می آید کلاسی که با استاد در مقطع دکترا داشتیم در فصل زمستان و ساعت آخر بود و نوعاً افزون بر تاریکی شب با برف و بارندگی نیز مواجه می شدیم استاد وقتی دانشجویان را می دید، سوار ماشینشان می کردند تا مبادا بر زمین برف و یخی بیفتند. نمونه دیگر وقتی کسالت دانشجویان را می فهمید تا مدت ها جوایب احوالشان بود و ایشان را بسیار شرمنده می کرد. این دلسوزی و محبت ایشان چون ظاهری و جهت فریفتن افراد نبود بلکه ریشه در ذات ایشان داشت شامل دیگر افراد نیز می شد، چنانکه اگر استادی در مؤسسات آموزشی مورد بی مهری قرار می گرفت، با وجودی که ربطی به استاد نداشت، ایشان در پی جبران آن در مکان دیگر بودند و از این موضوع خاطره ها در یاد دارم که بماند برای محفلی دیگر.

*فروتنی

در رفتار استاد سادگی و گریز از تعاریف و تملاقات به چشم می خورد. علیرغم اینکه افزون بر تحصیلات حوزوی، تحصیلات آکادمیک ایشان فلسفه می باشد، لکن خود را معلم قرآن معرفی کرده و بنا به نقل خودشان با وجود اصرار استاد شهید مطهری به تدریس دروس تخصصی در دانشگاه تهران، ایشان تدریس تجوید قرآن را پذیرفتند و همیشه با افتخار از آن یاد می کردند و می فرمودند شاید همین امر موجب دستگیری در آخرت باشد. همچنین روستایی بودنشان را پنهان نمی کردند و چه بسا از همین روی است که بدون تکلف و صادقانه و راحت با افراد برخورد می کردند.

بارها شاهد بودم که در جمع های دوستانه به

شیعی به حساب می آمدند؛ از این رو خلف راستینشان نیز به تبعیت از آن بزرگواران؛ علاوه بر آثار و مکتوبات علمی که از خود بر جای می گذارند، به تربیت افراد و شاگرد پروری نیز می پردازند تا از باقیات الصالحات ایشان باشند. از جمله آنها، جناب استاد بزرگوار می باشند که کارنامه زندگیشان گواه بر این مدعاست و به تربیت شاگردانی پرداخته اند که خود استوانه ای در علم و اساتید برجسته ای در حوزه معارف الهی می باشند، هر چند که برخی از آن عزیزان چهره در نقاب خاک کشیده اند (به یاد استاد لسانی فشارکی، دکتر برومند و...).

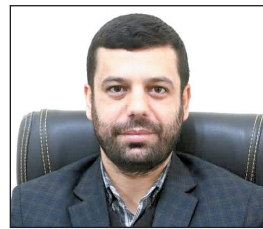
از دیگر ویژگی های استاد در این رابطه دادن امید و تشویق به مطالعه و پژوهش در دانشجویان می باشد که بر این اساس بسان پدري دلسوز، همواره در حل گره های مشکلات شاگردانشان کوشیده اند. از معرفی دانشجویان به مراکز علمی، گذاشتن واحدهای تدریس برای دانشجویان مستعدشان و توصیه نامه ها گرفته تا پیگیری بیماری ها و مشکلات معیشتی ایشان. به یاد دارم بعد از اتمام کارشناسی ارشد بنا به دلایلی تمایل به ادامه تحصیل نداشته و علاقه مند به کار در حوزه پژوهش بودم لکن با تشویق های استاد که از من خواستند دکترا را در پیش گیرم، ادامه دادم و همواره دعاگوشان هستم. رسد استاد جهت جذب افراد نخبه از دیگر ویژگی های ایشان در این باره است چنانکه بی لطف نیست بادی کنیم از روزی که در دفتر کار استاد بودم، ایشان فرمودند: نخبه ای را در حوزه پیدا کردم که در کنگره شیخ طوسی با او آشنا شدم دعا کن قبول کند یا به دانشگاه بگذارد. تا الان که هر چه گفته ام قبول نکرده است و او کسی نبود جز استاد عزیز و عظیم الشانم جناب آقای دکتر مهدوی راد که معرف حضور قرآن پژوهان می باشد. آن شالاه در دنیا در پناه قرآن و در آخرت مشمول شفاعت قرآن قرار بگیرند و ما را هم از دعای خیرشان فراموش نکنند.

پی نوشت:

- ۱- عیاض، الشفاء، بتعریف حقوق المصطفی، ج ۱، ص ۱۸۷
 - ۲- طوسی، اخلاق ناصری، ص ۲۶۴
 - ۳- الکافی، ج ۱، ص ۲۶۵؛ بحار الانوار، ج ۲، ص ۹۵
- * دانشیار علوم قرآن و حدیث دانشگاه بین المللی مذاهب اسلامی

رنج های پدران، برای نهالی

که قد کشید...



• مجتبی محمدی انویق*

استاد دانشمند و فرزانه، حضرت آیت الله دکتر سید محمدباقر حجتی (حفظه الله تعالی) بی تردید از چهره های ماندگار در علوم قرآنی است که نام ایشان همواره در این عرصه، خوش خواهد درخشید. رشته «علوم قرآن و حدیث» که در حال حاضر، جوانی تنومند و پر دغدغه است، کودکی و خردسالی خود را در دامان پدران و معلمان اندیشه ورز و فرهیخته ای چون ایشان سپری کرده و با گذر از پستی ها و بلندی های فراوان، به مرحله رشد و بلوغ رسیده است. وقتی به مطالعات، پژوهش ها و اقدامات استاد و سایر بزرگان همراه او در این زمینه می نگریم، متوجه می شویم که نگاه ایشان و مسیری که برای این رشته ترسیم کرده اند، مسیر درست و صائبی است که البته در هر عصری به مراقبت و نوگرایی نیاز دارد.

برای نمونه، کتاب «پژوهشی در تاریخ قرآن کریم» استاد، دربردارنده مباحثی ارزنده است که نه

در مباحثی که به زعم خودمان در آنها مطالعات و پژوهش های زیادی انجام داده بودیم، برایمان تازگی داشت؛ برای نمونه، در مباحث مربوط به تاریخ قرآنی با دقت خاصی از وضعیت قاریان در ادوار گوناگون تاریخ اسلام و تأثیر هر کدام از آنان در تثبیت قرآنیات قرآن و سیر تاریخی ملاک های پذیرش قرآنیات سخن می گفت که هر علاقه مندی را مجذوب خود می کرد و بسیار قابل استفاده بود.

نمونه دیگر اینکه استاد در طول تدریس درس مقدمات تفسیر، نکات ادبی و لغوی ظریفی را بیان می کرد که از تسلط بالای او به زبان و ادبیات عربی حکایت می کرد. اخلاق کونظیر و تواضع منحصر به فرد استاد در ارائه مباحث و گفتگوهای علمی همواره الگویی برای اینجانب و همکلاسی هایم بوده است. ایشان در گفتگوهای درسی و غیر درسی با دانشجویان، چنان فروتنانه و دلسوزانه رفتار می کرد که احساس می کردیم با یکی از دوستان صمیمی خود در حال گفتگو و مباحثه ایم.

تدریس استاد برای ما مصادف با کوهلوت سن ایشان و تحمل رنج ها و مشقت هایی بود که به خاطر ضعف و بیماری بروز پیدا کرده بود. ما در واقع آخرین

نسل و آخرین گروه شاگردان استاد در دانشگاه بودیم؛ با این حال، استاد با شور و شغف خاصی از مسائل علوم قرآنی سخن می گفت و به سؤالات و ابهامات دانشجویان پاسخ می داد. ایشان بارها در کلاس، نظرات بدیعی را طرح می کردند که در هیچ یک از آثار و نوشته های ایشان یافت نمی شد؛ در طول تدریس از یادداشت هایی سخن می گفتند که تنظیم و انتشار آنها با توجه به احوالاتشان میسر نشده و هنوز هم که هنوز است، انتشار نیافته و در اختیار علاقه مندان قرار نگرفته است؛ برای نمونه، استاد نیاز می دانستند که بخش قابل توجهی از مطالب کتاب «پژوهشی در تاریخ قرآن کریم» را با توجه به یادداشت هایی که آماده کرده اند، بازنگری و سپس کتاب را تجدید چاپ کنند که کوهلوت سن و مشکلات ناشی از آن همواره مانع می شد. این نکته را باید توجه کرد که این گنجینه های موجود در ذهن، زبان و یادداشت های این بزرگان و صاحب نظران باید به عرصه انتشار برسد؛ در واقع نباید اجازه داد که تاریخ شفاهی رشته پراهمیت علوم قرآن و حدیث و نکات علمی مهمی که در حافظه و نوشته های این بزرگان است، به این صورت مدفون بماند و دسترسی به آنها برای مردمان امروز و آیندگان ناممکن شود. امیدواریم کارهای خوبی در این زمینه از سوی دست اندر کاران و شاگردان مخلص استاد که بسیاری از آنان، اساتید گرانقدر اینجانب نیز بوده اند و هستند، انجام گیرد.

* عضو هیأت علمی دانشگاه ایلام

پژوهشگر و نویسنده‌ای نامور



دکتر سهیلا پیروزفر*

حجتی در موضوعات مختلف و عناوین و مباحث مشترک بود. کتاب «اسباب نزول» ایشان که در واقع ترجمه، شرح و تقریراتی بر نوع نهم کتاب الاتقان فی علوم القرآن سیوطی بود نیز از آثار قابل توجهی بود که در همان روزهای دوران کارشناسی با آن آشنا شده بودم. کتاب‌های آقای دکتر حجتی را با دقت تمام خوانده بودم، به مناسبت تحقیق در موضوع نزول قرآن و قرائات آرزو می‌کردم استاد را ببینم و سوالات زیادی که برایم مطرح بود را مستقیماً از خودشان بپرسم. همان روز اول که بعد از پذیرفته شدن در آزمون کارشناسی ارشد به دانشگاه تهران آمدم کنجکاوانه دفتر آقای دکتر حجتی را جستجو کردم، به خوبی به یاد دارم که در اتاق باز بود و من اولین بار ایشان را که در حال مطالعه یک کتاب بودند، دیدم.

در دوره کارشناسی ارشد فقط یک درس با استاد داشتم لحظه لحظه حرف زدن‌های استاد مرا به سطر سطر کتاب هایشان می‌برد و لذت خواندن آن کتاب‌ها را دوچندان می‌کرد؛ رفتارشان با دانشجویان گرم و صمیمی بود، عالمانه و محققانه سخن می‌گفت، جامعیت علمی ایشان از یکسو و توجه ویژه به خواندن متون عربی و توصیه به مطالعه آثار عربی و تشویق به جدیت در کارهای علمی از ویژگی‌های کلاس‌های استاد در این دوره بود. یک روز از دانشجویان خواستند متنی از الاتقان را در کلاس بخوانیم. نوبت که به من رسید شروع به خواندن کردم با مهربانی فرمودند معلوم است از حوزه مشهد آمده‌اید، حوزه مشهد با نام ادیب نیشابوری در صرف و نحو و بلاغت عربی سرآمد است و چه خوب است دانشجویان مهارت خواندن و درک متون عربی را کسب کنند.

توفیق داشتم به عنوان مشاور پایان نامه کارشناسی ارشد از وجودشان بهره‌مند شوم. کتاب «ابن عباس و مکاتنه فی التفسیر» را که استاد ترجمه کرده بودند، یکی از منابع من در نگارش پایان نامه بود. سال‌ها بعد که مجدداً برای ادامه تحصیل در مقطع دکتری به دانشگاه تربیت مدرس رفتم، با دیدن استاد خیلی خوشحال شدم. دروس قرائات، اعجاز قرآن و مکاتب و روش‌های تفسیری را با ایشان گذراندم و بهره‌های زیادی بردم. نکته سنجیها و نقدهای ایشان بر امین الخولی نویسنده مدخل تفسیر و مستشرقانی مانند گلدریهر، تحلیل‌های عمیق در باره نظم و وجوه اعجاز قرآن، شیوه بیان و تدریس، تحلیل‌های دقیق لغوی و صرفی و نحوی، اطلاعات عمیقی که نسبت به موضوعات داشتند و رویکرد نقادانه نسبت به برخی دیدگاه‌ها باعث شده بود همواره خداوند را شاکر باشم که توفیق بهره‌مندی از ایشان را نصیب کرده‌است. در درس قرائات با ترجمه دقیق و عمیق استاد از کتاب القرائات القرآنیة عبدالهادی فضلی که با عنوان مقدمه‌ای بر تاریخ قرائات قرآن کریم به

از همان سال اولی که بعد از کنکور سراسری به دانشکده الهیات دانشگاه فردوسی مشهد راه یافتیم، نام بعضی از استادان و آثارشان همواره مطرح می‌شد. مرحوم دکتر رامیار با کتاب تاریخ قرآن و ترجمه اثر رزی بلاشیر با عنوان «در آستانه قرآن» از اولین افرادی بود که نامش را شنیدیم، کتاب تاریخ قرآن ایشان از مهمترین کتابهایی بود که به عنوان دانشجوی رشته علوم قرآن و حدیث خواندم. شنیده بودم که ایشان استاد همین دانشکده بوده‌اند و سال‌ها قبل به رحمت ایزدی پیوسته‌اند. در کتابخانه مکرر کتاب‌هایی که توسط دکتر رامیار اهدا شده بود را می‌دیدم و گاه افسوس می‌خوردم که ای کاش ایشان را از نزدیک ملاقات کرده بودم. شنیده بودم که در مشهد با تلاش‌های مرحوم استاد واعظزاده و بعد از آن در تهران با زحمات و پیگیریهای بزرگانی چون دکتر محمدباقر حجتی، رشته علوم قرآن و حدیث پایه‌گذاری شده‌است. استاد واعظزاده -رضوان الله تعالی علیه- را در مشهد می‌دیدم و با ذوق و شوق به کلاس‌های درس ایشان می‌شافتیم. آن قدر مبهوت تدریس ایشان بودم که سعی می‌کردم تمام درسهایی که در دانشکده داشتند با این که جزو واحدهای درسی من نبود، به عنوان مستمع شرکت کنم؛ بسیار از ایشان بهره‌بردیم و خدا را شاکر که این توفیق نصیب شد. -طاب ثراه- با نام استاد دکتر محمد باقر حجتی (حفظه الله تعالی) در همان روزهای نوجوانی با کتاب آداب تعلیم و تربیت، که ترجمه زیبایی از کتاب منیه المرید شهیدثانی بود، آشنا شدم. این کتاب را سال اولی که وارد حوزه شدم خواندم، هنوز هم معتقدم هر طالب علمی لازم است این اثر را بخواند. کتاب دوم «پژوهشی در تاریخ قرآن» یکی از مهمترین منابع درسی ما در دانشگاه بود. اولین تحقیق درسی من در مقطع کارشناسی یک کار تطبیقی بین دو کتاب تاریخ قرآن مرحوم دکتر رامیار و دکتر

چاپ رسیده است، آشنا شدم. ***استادی مهربان و شیرین بیان*** حاشیه‌های کلاس اما در ذهن من ماندگارتر شد، خاطرات زیبایی که از دوران تحصیل و تدریسشان و ملاقات با بزرگان علمی داشتند؛ به خصوص شوخ طبعی‌های ایشان و نقل ماجراهای شیرین با همان لهجه زیبای شمالی بر شیرینی و جذابیت و شادابی کلاس می‌افزود و هنوز هم بعضی از تکیه کلام‌های شیرین ایشان را در کلاس‌های درس بازگو می‌کنم.

بدون شک نام استاد برای دانشجویان و فارغ التحصیلان رشته علوم قرآن و حدیث‌شان و جایگاه خاصی دارد. هنوز هم رشته علوم قرآنی با نام استاد دکتر حجتی همراه است و نقش بارز ایشان در تربیت شاگردانی که بعدها خود در شهرهای مختلف استاد در حوزه علوم قرآنی شدند و اکنون جایگاه علمی یافته‌اند و تأثیر ایشان در شکل‌گیری مطالعات گسترده‌تر در موضوعات قرآنی غیرقابل چشم‌پوشی است. بخشی از برکات و آثار و ثمرات مجاهدت‌های ایشان را، با تعداد رساله‌ها و پروژه‌ها و مقالات و کتاب‌هایی که به نام ایشان مزین است می‌توان برشمرد.

استادی عمیق و آگاه، خوش خلق، گرم و گیرا، مهربان و صمیمی، شوخ طبع و شیرین بیان، متواضع و البته مهمان نواز.

در انجام رساله دکتری به عنوان استاد مشاور همراه من بودند. در یک روز تعطیل قرار بود یک نسخه از رساله را به منزل ایشان ببرم. وقتی به در خانه استاد رسیدم، حدود ساعت ۲ بعد از ظهر بود، گمان کردم شاید خواب باشند و مناسب نیست مزاحم شوم و با خودگفتم بهتر است اینجا منتظر شوم، در حالی که در محوطه بیرون منزلشان ایستاده بودم، خستگی و نگرانی‌های قبل از دفاع از رساله باعث شد به اشتباه به جای تماس با همسر شماره همراه ایشان را بگیرم. وقتی پاسخ دادند، فهمیدم چه اشتباهی کرده‌ام؛ معلوم بود با صدای زنگ بیدار شده بودند. خیلی عذرخواستیم اما با گرمی و مهربانی همیشگی پاسخ دادند و وقتی فهمیدند نزدیک منزل هستیم، مرا به خانه شان دعوت کردند. همسرشان با روی باز پذیرای من شدند؛ مهمان نوازی و مهربانی ایشان و همسر گرمی‌شان خیلی شرم‌دهام کرد. استاد ظرفی از شکلات را با مهربانی برایم آوردند و پذیرایی کردند. آرامش و مهربانی استاد مثل همیشه دلگرم کننده و آرامش‌بخش بود.

از خداوند تعالی توفیق روزافزون، سلامتی و تندرستی ایشان را آرزو مندیم. امیدوارم خیلی زود توفیق حاصل شود تا دوباره استاد را از نزدیک ملاقات کنم.

*دانشیار دانشگاه فردوسی مشهد

شوق آفرینی برای تعمق در میراث علمی پیشینیان



دکتر هادی رهنما*

اینکه منطق و اصول فقه مرحوم مظفر، شرح لمعه شهید ثانی و شرح ابن عقیل را خوانده‌ایم، پس متون تخصصی رشته از جمله «پژوهشی در تاریخ قرآن کریم» و کتاب «اسباب النزول» استاد، برایمان بسی سهل‌تر می‌نمود.

قدر و قیمت نظر و اثر استاد مؤسس و دیگر استادان متقدم را نمی‌دیدیم و راضی نبودیم از آنچه به عنوان میراث علوم قرآن و حدیث، از جمله «الاتقان» سیوطی، پیش رویمان می‌نهادند و به تصریح یا تلویح ما را به غور در آن میراث دعوت می‌کردند. اکنون که از پس بیست و چند سال به دریافت‌ها و قضاوت‌های ایام جوانی می‌نگرم، تأسّف می‌خورم از اینکه چه عجول و خام‌اندیش بوده‌ام! نمی‌دانستم روزهایی خواهد آمد که خودم در هر فرصتی به دانشجویان و پژوهشگران نوگرا و احیاناً کم‌اقبال به سنت، از اهمیت تبیین و خوانش عمیق و دقیق تراث اسلامی بگویم؛ از ضرورت بازخوانی پیوسته آثار لغویون و نحویون و اهل ادب، از فزّاء و نحاس گرفته تا ابن قتیبه، جرجانی، زَمخشری، ابو حیان آندلسی، سیوطی و...

و حالا که به مناسبت یادکرد قدر و منزلت استاد دکتر سید محمد باقر حجتی می‌نویسیم، باید که یاد کنیم از خطاهای مکرر ما شاگردان در ندیدن و کم‌دیدن، در نخواندن و کم‌خواندن، در بسند کردن به حداقل خواننده‌ها و محدود دانستن فکر و اثر یک استاد به همان آثار محدود که از او خوانده‌ایم. قدر فکر و آثار قلمی استادان مؤسس رشته علوم قرآن و حدیث از جمله دکتر حجتی، مرحوم دکتر رامیار، مرحوم استاد مدیرشانه‌چی، مرحوم آیت‌الله واعظزاده خراسانی، مرحوم دکتر آذرنوش و بسیاری دیگر از نسل اول اساتید رشته بسی بیش از آن است

نگارنده در زمره نسل چهارم دانش‌آموختگان رشته علوم قرآن و حدیث است؛ کسانی که ایام دانشجویی‌شان در میانه دهه ۷۰ تا میانه دهه ۸۰ شمسی گذشته‌است. اولین دریافت نسل ما از درس و بحث علوم قرآن و حدیث، آن گونه بود که استاد مؤسس دکتر سید محمد باقر حجتی می‌نگریست و فکر و نگاهش را در نسل استادان رشته و آثار علوم قرآنی در فضای دانشگاهی ایران بسط داده بود. به خصوص کسانی همچون نگارنده که دانشجوی دانشگاه امام صادق (علیه السلام) بوده و دریافت‌های درسی‌اش بیش از آنکه حاصل تعلیم گسترده و بی‌واسطه از شخص استاد باشد، برآمده از آثار مکتوب ایشان بوده‌است.

آن سال‌ها ما دانشجویانی پرشور بودیم که به تربیت شبه‌حوزوی‌مان در دانشگاه امام صادق (علیه السلام) می‌بالیدیم. مباحثات می‌کردیم به

که ما دریافت کرده‌ایم.

*تنوع در خلق آثار علمی نوآورانه

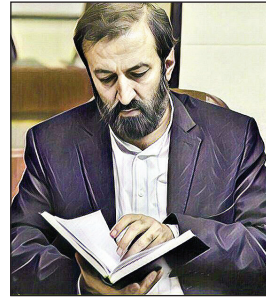
در شناخت قدر و اندازه افکار و آثار استاد دکتر حجتی، کافی است به کتاب‌های مشهور ایشان در فضای درسی رشته علوم قرآن و حدیث بسنده نکنیم و نگاهی بیندازیم به تنوع موضوعی و سبک‌های تألیفی آثار ایشان که عمدتاً در قالب مقاله منتشر شده‌اند، از جمله مقالات گزیده و الهام‌بخش ایشان در باره اهداف و مقاصد سوره‌های قرآن مانند «درس‌هایی از سوره آل عمران» و «درس‌هایی از سوره نساء» یا مقالات متعدد ایشان درباره احکام و معارف حج که عمدتاً در مجلات «میقات حج» و «معارف اسلامی» (سازمان اوقاف) منتشر شده‌است.

همچنین باید یاد کرد از اهتمام جدی استاد به حوزه تعلیم و تربیت اسلامی، از ترجمه و معرفی کتاب «منیه المرید فی آداب المفید و المستفید» شهید ثانی به مخاطب عام و دانشجویان حوزه علوم تربیتی گرفته تا مقالات متعدد در نشریات علوم تربیتی نظیر مجله «پیوند» و چه کسی است که آثار استاد را ببیند و بخواند و تعهد ایشان به بلاغت و زیبایی بیان را تحسین نکند؟ چه ایشان نه فقط در مقالات که حتی در گزارش سفرهای تحقیقاتی‌اش به عربستان و یمن و چین و اسپانیا و ایتالیا و مصاحبه‌ها و دیدارهایش با عالمان و محققان، همواره به بیان دقیق، روشن و بلیغ پایبند بوده‌است.

خداوند تعالی بر تأییدات ایشان بیفزاید و ما را در بهره‌بردن از میراث فکری و اثری استادانمان، اعم از استادان دیده و نادیده، موفق گرداند.

*استادیار پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

برجستگی علمی استاد



• دکتر محمدرضا شاهرودی*

دانش در عصر کنونی، امتیازاتی نسبت به خود در عصور پیشین یافته که از جمله این امتیازات، تخصصی شدن آن است. امروزه در دانشگاه‌ها از همان ابتدا، دانشجوی رشته خود را انتخاب می‌کند و در آن به تحصیل می‌پردازد. این امر، از این جهت که دست دانشجوی را از دانش‌های همسو با دانشی که تحصیل در آن زمینه را انتخاب کرده تهنی می‌گذارد، قابل نقد است. این ایراد، اگر در بسیاری از علوم توجیه‌پذیر باشد، در علوم اسلامی که تنیدگی خاصی در میان آن‌ها مشاهده می‌کنیم، توجیهی ندارد و کاملاً از خود آثار علمی منفی به جای می‌گذارد. بر این پایه است که مشاهده می‌کنیم عالمانی که در برخی از شاخه‌ها در حوزه علوم دینی، دارای تفوق و برجستگی شده‌اند، در برخی دیگر از این دانش‌ها دارای آگاهی نسبی بوده‌اند و در رشته‌های مرتبط با رشته اصلی خود نیز رشد و کمال مطلوبی داشته‌اند. مراد از طرح این موضوع، توجه به بایستگی دستیابی به لوازم رسیدن به جامعیت علمی در درک عمیق و جامع معارف قرآنی و روایی و همچنین فهم آرای دانشمندان در این بخش است. ارزشی علمی که در عصر تخصصی شدن رشته‌های دانشگاهی و ایضاً در دوره معاصر در حوزه‌ها و مدارس علمی رو به فراموشی است. برای روشنتر شدن این موضوع، دو مثال تقدیم می‌گردد: فرض بفرمایید دانشجوی امروز ما در درس‌های فقهی خود (مثلاً شرح لمعه) با خبری که مسنداً به یکی از اصحاب اجماع می‌رسد، برخورد می‌کند و مؤلف کتاب فقهی مورد تدریس (در ما نحن فیه شهید ثانی) می‌گوید: سند این حدیث تا فلان راوی (فرضاً زراره) که جزو اصحاب اجماع محسوب می‌شود، صحیح است، پس در خبر و صحت صدور آن مناقشه نمی‌کنیم. اینجا اگر آن طلبه در علوم الرجال به مبحث «توثیقات عامه» ورود نداشته و مبنای خود را در این باره انتخاب نکرده باشد، ذکر مطالب آن مؤلف، جز تکرار طوطی‌واری از آرای او نخواهد بود، هر چند این موضوع بارها در نقد سندی احادیث آن متن اتفاق افتاده باشد. در دانش تفسیر نیز نسبت به مطالب مربوط به علوم حدیث یا کلام یا فقه با چنین پدیده‌ای روبرو هستیم؛ کما اینکه مصداق اتم و اکمل این موضوع را در دانش اصول فقه پس از افول اخباریان در میان متأخران و دانشمندان پس از ایشان مشاهده می‌کنیم؛ چه اینکه یافته‌های فلسفه اسلامی در تبیین و تقریر مسائل اصولی جایگاهی بس مهم یافته است و دیگر امروزه طلبه قادر به درک اقوال و آراء اصولیان در مباحث حجت، ملازمات عقلیه و اصول عملیه حتی مباحث الفاظ بدون دانستن کلیات فلسفه و قواعد اساسی آن نیست.

پژوهشگر برجسته، نویسنده پر تلاش، مدرس توانمند، استاد فرهیخته و چهره ماندگار حوزه علوم قرآن و حدیث، دکتر سید محمدباقر حجتی را جامعه علمی به خصوص دانشجویان و استادان رشته علوم قرآن و حدیث به نیکی می‌شناسند؛ لذا غرض از مقدمه‌ای که گذشت و این کوتاه‌سخن در ترجمه علمی ایشان، تمجید یا حتی معرفی ایشان

نیست، بل تذکری است برای پویندگان راهی که ایشان پیموده است تا با یکی از عوامل اصلی موفقیت و جنبه‌ای از جوانب شخصیت ممتاز علمی ایشان آشنا تر شوند و با الگو گرفتن از ایشان در دوران تحصیل، ابزاری بایسته از ابزارهای کمال علمی و معرفتی را در خود محقق سازند. باشد که با محقق ساختن این جوانب و مهیا کردن این ابزارهای معرفتی، گامی به موفقیت علمی نزدیک تر شوند.

دکتر حجتی به مثابه کسی که پیش از برجسته شدن در یک رشته ممتاز دانشگاهی - یعنی رشته علوم قرآن و حدیث- در دوران تحصیل، تمامی دروس و مواد علمی لازم برای قرار گرفتن در مقام یک دانشمند دینی موفق را آموخته، نمونه‌ای از عالم جامع در علوم اسلامی در میان قرآن پژوهان معاصر است. توضیح اینکه دانش‌های قرآنی و حدیثی به ویژه دو دانش تفسیر قرآن کریم و فقه الحدیث، نیازمند دانش‌های پیشینی چندی است که بدون اطلاع کافی از این دانش‌ها، فهم آرای دانشمندان و تبیین صحیح آن برتر می‌ماند. ملا جلال سیوطی که خود چندان با دانش‌های معقول، عرفان نظری و تفاسیر مبتنی بر گرایش‌هایی این چنین میانه خوبی ندارد، در اتقان خود از ۸۰ دانش، تحت عنوان «نوع» نام می‌برد که خود، علوم مورد نیاز برای فهم اجتهادی قرآن کریم‌اند.

کوتاه سخن اینکه، فهم استدلالی قرآن و حدیث به مثابه غایت نهایی از این دو نقل گرانها مبتنی بر علمی است که به آنها کمتر بها داده می‌شود و این علوم، کما و کیفاً در مراکز دانشگاهی و حوزوی عهده‌دار رشته قرآن و حدیث، به نحو کافی و شایسته آموزش داده نمی‌شوند. نتیجه این شیوه آموزشی این شده است که دانشجویان و طلاب، تکرار طوطی‌واری از گزاره‌های این بخش علمی می‌کنند و دانش خود را با آن علوم مقدماتی استوار نمی‌دارند.

باری، استاد عالی قدر ما در دوران تحصیل خود و پس از آن، طلبه و دانشجویی بوده است که عجله‌ای برای بالا رفتن از مدارج علمی نداشته و انبان علم و معرفت خود را از دانش‌های ابزاری لازم که در حوزه‌های آن زمان و دانشکده معقول و منقول آن دوران آموزش داده می‌شد، انباشته ساخته است و لذا در مواجهه با دانش‌های تنیده از علوم متعدد، قدرت درک بالایی یافته و توان انتقال و آموزش و تبیین کافی در اختیار او قرار گرفته است. البته این امر، رهین تلاش‌های ایشان در سال‌های متمادی تحصیل در حوزه و دانشگاه است. اکنون و به عنوان شاهدی بر مراد از این سخن، یعنی جامعیت استاد دکتر سید محمدباقر حجتی نگاه گذرا بر سه بخش از زندگی علمی ایشان: الف- تحصیلات، ب- تعلیمات، ج- تألیفات می‌افکنیم:

الف: دکتر حجتی پیش از تحصیلات عالی خود در دانشگاه، ابتدائاً به طلبگی و شاگردی در مدارس علمیه با تمام محاسن آن (که چه بسا در عصر کنونی مدارس علمیه فاقد برخی از آن امتیازات شده‌اند)، پرداخت. او پس از تحصیلات مقدماتی در شهر بابل به مدرسه مروی تهران که از بهترین مدارس علمیه بوده و هست، درآمد و سالها در آنجا تحت نظر استادان برجسته آن دوران همچون: سید صدرالدین رضوی، میرزا ابوالقاسم گرگی، علامه میرزا ابوالحسن شعرانی، علامه محمدتقی جعفری، آیت‌الله مرتضی مطهری، میرزا باقر آشتیانی و سید ابوالحسن رفیعی قزوینی به تحصیل دروس منقول و عمدتاً معقول همت گمارد. سپس برای تکمیل آموخته‌ها و آشنایی با روش تعلیمی و تحقیقی دانشگاه‌ها با گواهینامه مدرسی پس از قبولی در آزمون ورودی به دانشکده الهیات، که آن روزگار به دانشکده معقول و منقول معروف بود، وارد شد. سرانجام با موفقیت دوره دکتری این دانشکده را در رشته فلسفه اسلامی به پایان رسانید. ب: استاد حجتی با وجود صرف بخش زیادی از توان علمی خود در

رشته‌های فقه و اصول، کلام و فلسفه و علوم زبان عربی، شایسته آن دید که با تأسیس رشته علوم قرآن و حدیث در این دانشکده، سال‌های فراوان در مقام مدیریت گروه مزبور به فرهنگ و دین خدمت کند. استاد حجتی در طول سال‌های مدیریت تدریس دانشگاهی، درس‌های متنوعی در زمینه‌های زبان و ادبیات عرب، فقه، تعلیم و تربیت اسلامی، علوم بلاغت، فلسفه و منطق را تدریس کرده‌اند، اما از مدت‌ها پیش، تمرکز او بر روی تدریس علوم قرآن و حدیث و تحقیقات مرتبط در این زمینه بوده است. خدمات تعلیمی و فرهنگی ایشان و حضور در مجامع مرتبط درخور این وجیزه نیست؛ لذا در این بخش، صرفاً به اندکی از فعالیت‌ها و شایستگی‌های ایشان در این عرصه اشاره می‌شود؛ ایشان در دانشگاه تهران به عنوان استاد ممتاز معرفی شده و از سوی وزارت فرهنگ و ارشاد و آموزش عالی نیز به عنوان استاد نمونه کشوری انتخاب شده است. هم‌چنین بیش از ۳۰۰ پایان‌نامه و رساله در مقاطع کارشناسی ارشد و دکتری تحت هدایت و راهنمایی این استاد ارجمند نگارش یافته است. ج: استاد حجتی علاوه بر فعالیت‌های فوق‌الذکر، اشتیاق و اهتمام فراوانی نسبت به پژوهش، تألیف و ترجمه در بخش‌های مختلف علوم و معارف دینی دارند که خود شهادتی دیگر بر جامعیت علمی و گستره اطلاعاتی ایشان است. یادکرد تمامی آثار استاد، فرصتی دیگر می‌طلبد؛ لذا در این مقام با ذکر برخی از تألیفات گران سنگ ایشان سخن را به پایان می‌بریم: تفسیر کاشف با همکاری عبدالکریم بی‌آزار شیرازی، سبیری در سیره نویسی و مروری بر احوال و آثار پاره‌ای از سیره نویسان، کتاب «فهرست موضوعی نسخه‌های خطی عربی در کتابخانه‌های جمهوری اسلامی ایران» که به عنوان کتاب سال جمهوری اسلامی ایران انتخاب شد، مجموعه بحث‌های تربیتی، مختصر تاریخ القرآن الکریم، ابلیس فی القرآن و الحدیث، اسباب النزول و بالاخره «پژوهشی در تاریخ قرآن کریم» که مشهورترین کتاب ایشان است و بارها تجدید چاپ شده است. ایشان علاوه بر تألیفات فراوان، آثار برخی نویسندگان را نیز ترجمه کرده‌اند که به اندکی از آنها اشاره می‌شود: تجوید قرآن کریم (ترجمه «البرهان فی تجوید القرآن»، اثر محمد صادق قمحواوی)، آداب تعلیم و تعلم در اسلام (ترجمه «منیة المرید فی ادب المفید و المستفید» اثر شهید ثانی)، نمی از یم اسرار قرآن کریم (ترجمه «من اسرار القرآن» اثر دکتر مصطفی محمود)، اسلام در کنار مصیبت دیدگان و افسرده‌دلان (ترجمه «مسکن الفؤاد عند فقد الاحبه والا اولاد» اثر شهید ثانی) و روانشناسی از دیدگاه غزالی و دانشمندان اسلامی (ترجمه «الدراسات النفسیه عند المسلمین و الغزالی بوجه خاص» اثر عبدالکریم عثمان).

همچنین دکتر حجتی مقالات بسیار متعدد و ارزشمندی دارند که در نشریات معتبر علمی داخلی و خارجی چاپ شده و برخی از آنها به زبان عربی نوشته شده و برخی نیز به زبان‌های دیگر ترجمه شده است. به واسطه پژوهش‌های گرانقدر استاد سید محمدباقر حجتی، دانشگاه تهران، نشان درجه یک پژوهش را به ایشان اعطاء کرده و نیز در همایش چهره‌های ماندگار، ایشان به عنوان چهره ماندگار در حوزه علوم قرآن و حدیث انتخاب شده است.

پی نوشت:

۱- بخشی از این مطالب، ره آورد تجربه شخصی نگارنده، هنگام تدریس علوم قرآن و تفسیر آن در حوزه و دانشگاه است آنجا که خود را به دلیل ضعف اطلاعات دانشجویان، بین دوراهی: رها کردن آن درس یا ادامه تدریس و آموزش مقدمات علمی مورد نیاز، متأمل دیده است. * دانشیار دانشکده الهیات و معارف اسلامی دانشگاه تهران

ویراستار علمی و ادبی: دکتر مرزیه محمصص، دانشیار دانشگاه شهید بهشتی

